

گزینه ۲

۱

مفهوم گزینه ۲ این است که سخن عاشق را کسی نمی فهمد؛ اما مفهوم مشترک سایر گزینه ها سکوت عارفانه و عاشقانه است.

گزینه ۱

۲

"فطرت: طبع / جهد: کوشش، تلاش، سعی / بعد: دوری و فاصله / تلبیس: حقیقت را پنهان کردن / خزاین: گنجینه ها / قرب: نزدیک شدن / منسک: عمل عبادی"

گزینه ۴

۳

مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و بیت گزینه ۴: "توام بودن عشق با رنج و دشواری یا بیان سختی های راه عشق مفاهیم سایر ابیات:

گزینه ۱: "وفاداری عاشق و استواری او در عشق ورزی نسبت به یار با وجود بی مهری معشوق

گزینه ۲: "پدید آمدن عشق با آشکار شدن حسن معشوق

گزینه ۳: "بیهوده تصوّر شدن عشق از نظر افراد غیرعاشق یا تقابل عشق و عقل

گزینه ۱

۴

فعل سوخت در بیت صورت سؤال نیاز به مفعول ندارد و معنی آن با نهاد تکمیل می شود: جان من سوخت؛ اما در گزینه ۱ این فعل نیازمند مفعول است: اگر تو (=نهاد)، دل من را (گروه مفعولی) بخواهی سوخت در سایر گزینه ها نیز فعل سوخت نیازمند مفعول نیست:

گزینه ۲: تشنه (نهاد) در بیابان سوخت.

گزینه ۳: سعدی (نهاد) در دوزخ فراق بسوخت.

گزینه ۴: دلم (گروه نهادی) از پختن سودای وصال تو، بسوخت.

گزینه ۳

۵

تسلیم سرنوشت بودن و رضا به مقدّرات الهی، مفهومی است که در صورت سؤال و گزینه (۳) دیده می شود.

گزینه ۳

۶

پیری: مضاف الیه / شباب: مضاف الیه

(۱) خمار: صفت بیانی مطلق

(۲) دل افروز: صفت بیانی فاعلی

(۴) قدسی - بهشتی: صفت بیانی نسبی

غریب در مصرع اول گزینه ۲ به معنی شگفت و عجیب است.

- وابسته‌های پیشین = همه آن‌ها - مهم‌ترین سرفصل‌ها (۲)
 وابسته‌های پسین = آثار او - مطالعات ساختارشناسی - طرح مسئله - مسئله تمایزها - بررسی زبان - مطالعه زبان - صدر آن‌ها -
 تمایز گفتار - تمایز زبان - تمایز دال - تمایز مدلول - بررسی محور - محور جانشینی - محور هم‌نشینی - سرفصل‌های نظریات -
 نظریات او (۱۶)

مفهوم مشترک ابیات گزینه "۴" ترک نفس است.

واژه‌های "دیگر - تکاور - ابتر - ستمگر" به ترتیب قافیه هستند که "تکاور" نقش دستوری "مضاف‌الیه" دارد و بقیه واژه‌ها نقش دستوری "صفت".

مفهوم عبارت بالا این است که در مقابل هر خوشی و ناخوشی باید تسلیم بود. این مفهوم جز گزینه "۲" در همه گزینه‌ها دیده می‌شود. گزینه "۲" می‌گوید که با دعا می‌توان از وقوع قضا جلوگیری کرد.
 تشریح گزینه‌های دیگر:
 گزینه "۱": اگر دوست مرا هلاک کند یا بنوازد، من تسلیم هستم و او فرمانده است.
 گزینه "۳": به قضا و قدر الهی خرسند و راضی باش.
 گزینه "۴": هر شرایطی که ایجاد می‌کنی، ما فقط به رضای تو می‌اندیشیم.

محمد بن حسین خطیبی نام "بهاء ولد"، پدر مولانا است درحالی‌که "سلطان ولد" نام پسر اوست.

معنی صحیح واژگان:
 توأم: همراه، باهم / بسزا: شایسته، سزاوار / فصیح: خوش‌سخن، زبان‌آور / اقناع: راضی ساختن / طبع: خوی، سرشت، قریحه
 فطری / ساربان: نگهبان شتر / فرط: بسیاری

خون‌پالای به معنی خون‌پالاینده صفت فاعلی مرخم است و باران‌خورده نیز صفت مفعولی است.

در این گزینه "چه" صفت تعجبی برای کلمه جانانه است، پس جانانه موصوف است و در جمله "چه جانانه چرخ جنون می‌زنند" جانانه نقش قیدی دارد.

در گزینه ۱ "آدینه" موصوف است زیرا صفت شمارشی "یک" این کلمه را توصیف می‌کند؛ ولی نقش دستوری آدینه، مضاف‌الیه است. در گزینه ۳ موصوف وجود ندارد، "این" در این گزینه ضمیر اشاره است نه صفت اشاره. در گزینه ۴ "چشم" موصوف است، زیرا صفت "کور" را گرفته، ولی نقش دستوری "چشم" نهاد است: چشم کور، منکر آیینی باشد.

گزینه ۱: ۶ جمله: آمد / برادر / است / مکن / بشتاب / است
گزینه ۲: ۷ جمله ← روزها گر رفت / گو / رو / باک نیست / تو بمان / ای آن که / چون تو پاک نیست
گزینه ۳: ۵ جمله ← دل / خدا شناسی / بین / شناختم / به خدا قسم
گزینه ۴: ۵ جمله ← گویند / مگو / سعدی / می‌گویم / گویند

در گزینه ۱ "بدمستان" بدل است برای "ما"
در گزینه ۲ "خود" بدل است برای "دل ما"
در گزینه ۳ "خود" بدل است برای "تو"
گزینه ۴ آرایه "تکرار" دارد ولی نقش دستوری "تکرار" ندارد.

نقش دستوری گاه د در گزینه ۲ نهاد است.

مفهوم مشترک مصراع سؤال و ابیات "ب" و "ج" رهایی از نفس است.
مورد "الف": غنیمت شمردن فرصت
مورد "د": جلوه نداشتن عارفان حقیقی

در بیت گزینه "۴" اغراق به کاررفته است اما حسن تعلیل ندارد؛ معنی بیت: آن قدر دلم دردمند است که اگر آستینم را از روی چشمانم بردارم، اشکی که جاری است تا دامنم بالا می آید (دامنم را پر می کند). (ادبیات ۳، درس ۲)
بررسی آرایه های سایر ابیات:

- (۱) جناس تام: زَم (نفس بزَم)، زَم (زن هستم، مرد نیستم) (ادبیات ۳، درس ۸)
ایهام: زَم (دوم) ← ۱- نفس بکشم یا سخن بگویم ۲- زن هستم (مرد نیستم) (ادبیات ۲، درس ۱۲)
(۲) جناس ناقص: می گُفتم، می گُفتم (ادبیات ۳، درس ۸)
استعاره: دیده بخت (اضافه استعاری و تشخیص) (زبان فارسی ۳، درس ۱۴)
(۳) مجاز: شهر ← مردم شهر (زبان فارسی ۳، درس ۱۴)
تضاد: تیغ برکشیدن (جنگیدن)، سپر انداختن (تسلیم شدن)

يعجبني هذا اللاعب: از این بازیکن خوشم می آید، این بازیکن مرا به شگفت می آورد. (رد گزینه "۱") / يُحَيِّر: به شگفت می آورد. (رد گزینه "۴") / أهدافه الجميلة: گل های زیبایش (رد گزینه "۲")

بررسی سایر گزینه ها:

- ۲- "و لا یسبب: و سبب نمی شود". "غاز ملوث: گاز آلوده کننده ای"
۳- "زیوت: دانه ها". "زیوت: روغن ها" جمع است نه مفرد. "ینتج: تولید می شود" فعل مجهول است.
۴- "زیوت: دانه ها" جمع است نه مفرد. "زیوت: روغن ها" مفرد ترجمه شده است. "أی: هیچ" ترجمه نشده است.

در گزینه یک الكتاب و التّربية معرّف به أل و حامد و منية المرید علم هستند و اسم نکره ای وجود ندارد.
نکره در سایر گزینه ها: ۲- غنیّة، ۳- سائحین، ۴- محاضرات

فعل "به شگفت می آورد" یک فعل مضارع است ولی در گزینه های "۱" و "۳" به صورت ماضی ترجمه شده است. [رد ۱ و ۳]
فعل "به ثمر رساند" یک فعل ماضی است ولی در گزینه "۲" به اشتباه به صورت مضارع "یُسجّل" ترجمه شده است. [رد ۲]

ترجمه صحیح سایر گزینه ها:

- (۱) "هدفا: گلی"
(۳) "سماع: شنیدن"
(۴) "قائمة الذین: فهرست کسانی که"

بررسی سایر گزینه‌ها:

۲- "یزرعه: آنرا می‌کارد" مضارع است اما ماضی ترجمه شده است.

۳- "أطيب الكسب: پاک‌ترین درآمد" نادرست ترجمه شده است. "یکسب: به دست می‌آورد" مضارع است اما ماضی ترجمه شده ضمن اینکه قسمت آخر جمله کاملاً نادرست ترجمه شده است.

۴- "فیکسب: پس‌از آن کسب می‌کند" به اشتباه "تا مالی به دستش آید" ترجمه شده است. "أطيب الكسب: پاک‌ترین درآمد" نادرست ترجمه شده است.

بررسی اشکالات سایر گزینه‌ها:

۱) "كأنَّ" به معنی "گوی - انگار" می‌باشد!

۳) "كوكبٌ دَرِيٌّ" نکره است و باید به صورت "ستاره‌ای درخشان / یک ستاره درخشان" ترجمه شود!

۴) "كمشكاةٍ فیها مصباح" جمله وصفیه است و باید با لفظ "که" ترجمه شود: "مانند مشکاتی (چراغدانی) است که در آن چراغی است!"

خطاهای موجود در گزینه ۱:

"الغابة": معرفه است پس باید "جنگل" ترجمه شود.

"اشجارها الباسقة": ضمیر "ها" که مضاف‌الیه "اشجار" می‌باشد، ترجمه نشده است.

"خطر": در فارسی ترجمه نشده است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

الجمال معرفه است - إنسانٍ نکره است.

أَنْ تَزْرَعَ: فعل مضارع منصوب است که به صورت التزامی ترجمه می‌شود. أَنْ تَغْرَسَ: که بکاری

پس در گزینه ۱: زیبا - انسان - کاشتن ← غلط است.

در گزینه ۲: کاشت محبت و صفا - انسان ← غلط است.

در گزینه ۳: به کاشت ... بیردازی - انسان ← غلط است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: "الزّيوت" ← "روغن‌ها" - "لَنْ يُسَبِّبَ" ← "سبب نخواهد شد"

گزینه ۲: "سرعتها" ← "سرعتش" - "تفقّد" ← "از دست بدهد"

گزینه ۴: "قَدْ تَفَتَّشُ" ← "گاهی جستجو می‌شود"

دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

گزینه "۲":

الف) "فی عصر حاضرنا" ← در عربی اگر اسمی (عصر) هم مضاف‌الیه (نا) بگیرد و هم صفت (حاضر)، ابتدا مضاف‌الیه می‌آید، سپس صفت "فی عصرنا الحاضر"

ب) "الابداعات" ← معرفه است در صورتی که در متن سؤال "ابتکارهایی" نکره است و تعریب درستش می‌شود "ابداعات" گزینه "۳":

الف) در عبارت "العصر الحاضر" که ترجمه "عصر کنونی ما" است، "ما" وجود ندارد.

ب) "تکونت" پدید آمد اشتباه است.

گزینه "۴":

الف) "أُسست" تاسیس شده است که نادرست است.

ب) "الابداعات" معرفه است در صورتی که در متن سؤال "ابتکارهایی" نکره است و تعریب درستش می‌شود "ابداعات"

ج) "للاجتماع" ← "برای اجتماع" تعریب درستی برای کلمه "اجتماعی" نیست.

لا أقدر: نمی‌توانم (رد گزینه "۳") / المشهد: صحنه، لا أقدر: نمی‌توانم (رد گزینه "۴") / العدو: دشمن (رد گزینه "۴") / حَنَقَ: خفه کرد (رد گزینه "۲")

"ما من أحدٍ": هیچ‌کسی نیست (رد گزینه‌های ۱ و ۳)، "يقوم بـ": اقدام کند / بپردازد (رد گزینه‌های ۳ و ۴)، "جيداً": به‌خوبی (رد گزینه ۱)، "أعماله": کارهایش (رد گزینه ۴)، "أمر آخری": کارهای دیگری (رد گزینه‌های ۳ و ۴)

خطاهای این عبارت:

يَسْتَخْدِمُ (این فعل از باب استفعال بوده و باید حرف "د" کسره بگیرد) - مُحَافِظَة (چون معنای مصدری دارد: "مراقبت کردن" پس باید بر وزن "مُفَاعَلَة" باشد: مُحَافَظَة)

پاسخ سؤال ۳۵

الجدع

بررسی کلمه‌های کلیدی (الفرص الذَّهَبِيَّة، تحصل، يَقْتَنِيصُونَهَا):

۱) "الفرص الذَّهَبِيَّة": "فرصت‌های طلایی" ← معرفه است نه نکره ← رد گزینه‌های ۱ و ۴

۲) "تحصل": "حاصل می‌گردد" ← فعل مضارع اخباری ← رد گزینه‌های ۱ و ۳

۳) "يَقْتَنِيصُونَهَا": "آن را شکار می‌کنند"

ترجمه نادرست سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: "موفق به شکار آن‌ها می‌شوند"

گزینه ۳: "شکارش می‌کنند"

گزینه ۴: "به شکار آن نایل می‌شوند"

ترجمه: این جامعه خوشبخت است زیرا که مردم با یکدیگر همکاری می‌کنند. در گزینه ۱، "الله" در گزینه ۲، "برازیل" و در گزینه ۳، "قشم" علم هستند.

در کدام عبارت اسم نکره کمتری آمده است؟ (بر طبق آنچه خوانده‌ایم)

اسامی نکره در گزینه‌ها:

۱) مَنْ: اسم شرط / حَقًّا / سعيد: خوشبخت: ۳ عدد

۲) مبشِّرین / مُنذِرین: ۲ عدد

۳) ناجحاً: ۱ عدد

تذکر: "سعيداً" در اینجا چون اسم انسان است معرفه به علم است.

۴) قریب / جَنَّة: ۲ عدد

اُتذکّر: به یاد می‌آورم (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / تلک المبارة: آن مسابقه (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / تعادل: برابر شدند (رد گزینه ۱) / الفریقان: دو تیم (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / بلاهدف: بدون گلی، بدون یک گل (رد گزینه‌های ۱ و ۴)

يَضُرُّ (ضرر می‌رساند) ≠ يَنْفَعُ (نفع می‌رساند) متضاد هستند.

سایر گزینه‌ها:

السَّنة (سال) متضادّ الشهور (ماه‌ها) نیست.

يُعْطَى (می‌دهد) مترادف يأخذ (می‌گیرد) نیست.

و مُعَمَّر (پیر) مترادف شابّ (جوان) نیست.

حاکمان بنی‌امیه و بنی‌عباس، به‌تدریج مسیر حکومت را عوض کردند و برای خود و اطرافیانشان کاخ‌های بزرگ و مجلل ساختند. این تغییر مسیر جامعه مؤمن و فداکار عصر پیامبر اکرم (ص) را به جامعه‌ای راحت‌طلب، تسلیم و بی‌توجه به سیره و روش پیامبر اکرم (ص) تبدیل کرد. این تغییر فرهنگ، سبب شد که ائمه اطهار (ع) با مشکلات زیادی روبه‌رو شوند و نتوانند آن دوره را با خود همراه کنند.

آیه شریفه: (وما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل) مبین آن است که پس از گذشت مدتی از رحلت رسول خدا (ص)، جاهلیت با شکلی جدید وارد زندگی اجتماعی مسلمانان شد. این تغییر مسیر، جامعه مؤمن و فداکار عصر پیامبر اکرم (ص) را به جامعه‌ای راحت‌طلب، تسلیم و بی‌توجه به سیره و روش پیامبر اکرم (ص) تبدیل کرد. این تغییر فرهنگ، سبب شد که ائمه اطهار (ع) با مشکلات زیادی روبه‌رو شوند و نتوانند مردمان آن دوره را با خود همراه کنند.

رسول خدا (ص) برای بسته نشدن راه هدایت به روی مشرکان؛ در جنگ‌ها به مسلمانان سفارش می‌کرد که پیران، زنان و کودکان را نکشند و این سفارش، بیانگر سخت‌کوشی و دلسوزی پیامبر در هدایت مردم است. رسول خدا (ص) برای محبت و مدارا با مردم به آنان می‌فرمود: بدی‌های یکدیگر را پیش من بازگو نکنید، زیرا دوست دارم با دلی پاک و خالی از کدورت با شما معاشرت کنم. حضرت علی (ع) در توصیف سخت‌کوشی و دلسوزی پیامبر (ص) در هدایت مردم، رسول خدا را به طبیب سیّار تشبیه می‌نمود که خود به سراغ مردم می‌رفت و با داروهای خویش، بیماران سرگشته را درمان می‌کرد.

یکی از اهداف مهم حکومت الهی رسول خدا (ص) اجرای عدالت بود و ایشان در این مورد با قاطعیت عمل کرد و کوشید تا جامعه‌ای عادلانه بنا کند که در آن از تبعیض خبری نباشد. ایشان در این راستا می‌فرماید: در اقوام و ملل پیشین (سلف) بدین سبب دچار سقوط شدند همه در اجرای عدالت (برای افراد ذی‌نفوذ) تبعیض روا می‌داشتند و باتوجه‌به اجرای عدالت آیه شریفه: (لقد ارسلنا رسلنا بالبینات...) تأکید شده است.

باینکه سال‌ها بعد، منع نوشتن حدیث پیامبر (ص) برداشته شد و حدیث نویسی رواج یافت اما به دلیل عدم حضور اصحاب در میان مردم، به دلیل فوت یا شهادت، احادیث زیادی جعل یا تحریف شد، به‌طوری‌که احادیث صحیح از غلط به‌سادگی قابل تشخیص نبود.

حدیث شریف "علی مع القرآن و القرآن مع علی" تلاقی اهل‌بیت و کتاب الله را در حدیث ثقلین مدلل می‌نماید.

آیه شریفه با بیم و انذار جامعه اسلامی نسبت به بازگشت از ارزش‌های پیامبر به ارزش‌های جاهلیت می‌فرماید: "و محمد نیست مگر رسولی که پیش از او رسولان دیگری بودند. پس اگر بمیرد یا کشته شود آیا شما به گذشته و آیین پیشین بازمی‌گردید؟..."

حضرت علی (ع) ده سال قبل از بعثت پیامبر (ص) در خانه کعبه به دنیا آمد، بنابراین در زمان بعثت ایشان ده سال داشتند - حضرت علی در مورد دوران کودکی خود می‌فرماید: "من همچون بچه از شیر گرفته شده که به دنبال مادرش می‌دود از آن بزرگوار پیروی می‌کردم."

هر دو مفهوم مربوط به چالش "تبدیل حکومت عدل نبوی به سلطنت" است، عوض شدن مسیر حکومت بنی‌امیه و بنی‌عباس و ساختن کاخ‌های مجلل و بزرگ، جامعه مؤمن و فداکار عصر پیامبر اکرم (ص) را به جامعه‌ای راحت‌طلب، تسلیم و بی‌توجه به سیره و روش پیامبر اکرم (ص) تبدیل کرد.

در حدیث ثقلین آمده است که قرآن و عترت پیامبر از یکدیگر جدایی‌ناپذیرند و یکی از مصادیق عترت حضرت علی (علیه‌السلام) است. لذا حدیث گزینه (۴) با این امر مطابقت دارد، چراکه می‌فرماید: علی با قرآن و قرآن با علی است.

شاکرین در آیه شریفه: (وما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل و ... و سیجری الله الشاکرین) کسانی هستند که در مسیر راه پیامبر صلی‌الله علیه و آله و پیروی از ائمه اطهار علیهم‌السلام ثابت‌قدم‌اند و تزلزل در عقیده نداشتند و اگر تحول معنوی و فرهنگی ایجادشده در عصر پیامبر صلی‌الله علیه و آله و دو میراث گران‌قدر آن حضرت یعنی قرآن کریم و ائمه اطهار (ثقلین) نبود جز نامی در اسلام باقی نمی‌ماند.

خداوند در آیه شریفه (و ما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل افان مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم...) بازگشت به جاهلیت: (انقلبتم علی اعقابکم) را هشدار می‌دهد. ممنوعیت نوشتن احادیث پیامبر اکرم (ص) سبب شد شرایط مناسب برای جاعلان حدیث به وجود آید و آنان بر اساس اغراض شخصی به میل یا تحریف حدیث پرداختند یا به نفع حاکمان ستمگر از نقل برخی احادیث خودداری کردند.

با توجه به آیه ۲۱ سوره احزاب: (لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنه لمن کان یرجو الله و الیوم الآخر و ذکر الله کثیراً): "قطعا برای شما در رسول خدا (ص) سرمشق نیکویی است برای کسی که به خداوند و روز رستاخیز امید دارد و خدا را بسیار یاد می‌کند." یکی از ویژگی‌های کسانی که پیامبر (ص) برای آنان اسوه است این است که بسیار خدا را یاد می‌کنند (ذکر الله کثیراً). پیامبر (ص) می‌فرماید: "اقوام و ملل پیشین بدین سبب، دچار سقوط شدند که در اجرای عدالت، تبعیض روا می‌داشتند..."

معمولاً اطرافیان یک رهبر برای اینکه خود را به او نزدیک کنند، عیب دیگران را نزد او بازگو می‌کنند اما رسول خدا (صلی‌الله علیه و آله و سلم) به یاران خود می‌فرمود:

"بدی‌های یکدیگر را پیش من بازگو نکنید؛ زیرا دوست دارم با دلی پاک و خالی از کدورت با شما معاشرت کنم."

رسول خدا (صلی‌الله علیه و آله و سلم) هم با فقر مبارزه می‌کرد و به دنبال بنای جامعه‌ای آباد و دور از محرومیت بود و هم با کوچک شمردن فقیران و بینوایان به مخالفت برمی‌خاست. از این رو، مردم را به کار و فعالیت تشویق می‌کرد، از بیکاری بدش می‌آمد و کسانی را که فقط عبادت می‌کردند و کار نمی‌کردند، مذمت می‌کرد.

در زمان‌های گذشته، قبایل جایگاه مخصوصی داشتند و برخی قبایل برتر از برخی دیگر شمرده می‌شدند. روزی فردی از یکی از قبایل صاحب‌نام مدینه، دزدی کرد و جرم او ثابت شد. رؤسای قبیله فکر می‌کردند که رسول خدا به دلیل جایگاهی که قبیله این فرد دارد وی را مجازات نخواهد کرد؛ اما با کمال تعجب دیدند که پیامبر می‌خواهد حکم را اجرا کند. واسطه‌های مختلفی نزد رسول خدا فرستادند، تا ایشان را از اجرای حکم منصرف کنند. حتی برخی نزدیکان رسول خدا (صلی‌الله علیه و آله و سلم) واسطه قرار دادند، اما ایشان نپذیرفت و به آنان فرمود:

"اقوام و ملل پیشین بدین سبب، دچار سقوط شدند که در اجرای عدالت، تبعیض روا می‌داشتند؛ اگر شخصی قدرتمند و صاحب نفوذ از ایشان دزدی می‌کرد رهایش می‌کردند و اگر فردی ضعیف دزدی می‌کرد وی را مجازات می‌کردند."

امیرالمؤمنین علیه‌السلام جز نزد پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله و سلم) نزد کسی دیگر شاگردی نکرده بود. در حقیقت، دانش ایشان متصل به دانش پیامبر بود و دانش پیامبر نیز از وحی الهی سرچشمه می‌گرفت. پیامبر اکرم در همین باره فرمود:

"أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا"

من شهر علم هستم و علی در آن شهر است هرکس این علم را بخواهد باید از در آن وارد شود.

مطابق با این حدیث، نکات زیر به دست می‌آید:

اولاً حضرت علی (ع) پس از رسول خدا (ص) از همه داناتر است.

ثانیاً حضرت علی (ع) در علم خود معصوم است؛ وگرنه رسول خدا نمی‌فرمود که همه باید به ایشان مراجعه کنند. "فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا" ثالثاً بر مردم واجب است که از دانش حضرت علی (ع) بهره ببرند و مطابق نظر ایشان عمل کنند؛ زیرا ایشان راه رسیدن به علم

پیامبر (ص) است و بهره‌مندی از علم پیامبر هم بر همه واجب است. "أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا"

حضرت علی (ع): "سوگند به خداوندی که جانم در دست قدرت اوست، آن مردم [شامیان] بر شما پیروز خواهند شد، به این جهت که ... و شما در حق من بی‌اعتنایی و کندی می‌کنید."

این مطلب قلب انسان را به درد می‌آورد که آن‌ها در مسیر باطل خود این چنین متحدند."

قبل از نزول آیه (ان الذين آمنوا و عملوا الصالحات اولئك هم خير البريه) پیامبر اکرم (ص) درباره امام علی (ع) فرمودند: "این مرد اولین ایمان آورنده به خدا، وفادارترین شما در پیمان با خدا و راسخ‌ترین شما در انجام فرمان خدا، صادق‌ترین شما در داوری بین مردم، بهترین شما در رعایت مساوات بین آن‌ها و ارجمندترین شما نزد خداست" و منظور از "خير البريه" یعنی بهترین مخلوقات طبق بیان پیامبر (ص) یعنی امام علی (ع) و پیروانش.

علی (ع) و امامان معصوم از نسل ایشان جانشینی رسول خدا (ص) را بر عهده داشتند و از جانب خدا به ولایت و رهبری جامعه برگزیده شدند. آیه‌ای که به‌گزینش امامان از سوی خدا به ولایت اشاره دارد، آیه ولایت (اِنَّمَا وَلِیْکُمُ اللّٰهُ...) است.

رسول خدا (ص) فرمودند: "اقوام و ملل پیشین بدین سبب دچار سقوط شدند که در اجرای عدالت، تبعیض روا می‌داشتند؛ اگر شخصی قدرتمند و صاحب نفوذ از ایشان دزدی می‌کرد، رهایش می‌کردند و اگر فردی ضعیف دزدی می‌کرد، وی را مجازات می‌کردند."

یکی از اهداف ارسال پیامبران آن بود که مردم، جامعه‌ای بر پایه‌ی عدل بنا کنند و روابط مردمی و زندگی اجتماعی خود را بر اساس قوانین عادلانه بنا نهند. این هدف بزرگ بدون وجود یک نظام حکومتی سالم، میسر نیست. آیه شریفه (لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ) مبین این موضوع است.

آن حضرت آینده‌ی سرپیچی از دستورات امام و اختلاف و تفرقه میان مسلمانان را که موجب سوارشدن بنی‌امیه بر تخت سلطنت بود؛ می‌دید و آنان را از چنین روزی بیم می‌داد و می‌فرمود: (به خدا سوگند، بنی‌امیه چنان به ستمگری و حکومت ادامه دهند که حرامی باقی نماند جز آنکه حلال شمارند تا آنکه در حکومتشان دو دسته بگیرند: دسته‌ای بر دین خود که آن را از دست داده‌اند و دسته‌ای برای دنیای خود که به آن نرسیده‌اند).

گزینه ۴ صحیح است.

ترجمه جمله: او پول زیادی از بانک قرض گرفت و به همین دلیل تجارت وی شکست خورد.

ترجمه درک مطلب:

یکی از مسائل مربوط به محیط‌زیست که بیش از هر چیز مرا نگران ساخته، آلودگی دریاهاست. گمان می‌کنم تصاویری که اخیراً طی تعطیلات عید پاک در اخبار تلویزیون مشاهده کردیم، هنوز در اذهانمان وجود دارند. آلودگی دریاها عمده‌تاً حاصل ورود بنزین یا نفت از تانکرهای بزرگ به آب دریا می‌باشد. باتوجه‌به این واقعیت که هر روز بخش گسترده‌ای از دریاها بر اثر حوادث مشابهی که در سراسر جهان رخ می‌دهند، آلوده و ضایع می‌شود، می‌توان حدس زد که تا نیم قرن دیگر هیچ بخشی از دریاها را نمی‌توان یافت که آلوده نباشد. درنتیجه، گوشت ماهی که یکی از سالم‌ترین غذاها به شمار می‌آید، دیگر برای تغذیه‌ی انسان‌ها مناسب نخواهد بود. علاوه‌براین، بسیاری از انواع منابع حیاتی و طبیعی دریاها از بین خواهند رفت، مردم نخواهند توانست در دریا شنا کرده و خودشان را سرگرم کنند و غیره. برخی راه‌حل‌های ممکن برای این فجایع عبارتند از: (۱) بازرسی و کنترل دقیق کشتی‌های حامل مواد خطرناک، (۲) همه‌ی کارخانه‌ها باید مواد زائدشان را که نزدیک دریا هستند، پاکسازی کنند، (۳) دانشمندان باید به منظور یافتن راه‌هایی برای پاکسازی بخش‌های آلوده فعلی تحقیق نمایند.

- ترجمه جمله: براساس متن، تا نیم قرن دیگر هیچ منطقه پاکیزه‌ای در دریاها باقی نخواهد ماند.
- (۱) غذایی ابداً
 - (۲) منابع طبیعی
 - (۴) حادثه‌ای که در دریاها به وقوع بپیوندد

ترجمه متن:

وظیفه اصلی معلمین به وجود آوردن شرایطی است که یادگیری را تشویق نماید. آن‌ها باید به دانش‌آموزان کمک نمایند تا ابتکار عمل و توانایی درست اندیشیدن خود را رشد دهند. مدرسین خوب دانش‌آموزان را در جستجو برای دانش ارزشمند و تجزیه و تحلیل راه حل‌های احتمالی برای مسائل با مفهوم راهنمایی می‌کنند. آن‌ها همچنین به شاگردان کمک می‌کنند تا هنگام رویارویی با مشکلات گوناگون خطاهای عمده را درک نمایند.

- (۱) نگاه اجمالی کردن
- (۲) نمره دادن، علامتگذاری کردن
- (۳) خلق کردن
- (۴) پیشنهاد کردن

- (۱) فعالیت
- (۲) انتخاب، چاره
- (۳) توجه
- (۴) توانایی

- (۱) دور کردن، فاصله گرفتن
- (۲) تشکیل دادن
- (۳) رها کردن
- (۴) جستجو کردن برای

- (۱) احتمالی، امکان‌پذیر
- (۲) ذهنی، روانی
- (۳) ریز
- (۴) جذاب

- (۱) قابل شمارش
- (۲) مختلف
- (۳) محبوب
- (۴) باستانی

ترجمه متن:

زبان شناختی است که واقعاً ما را انسان می‌کند. درحالی‌که گونه‌های دیگر با توانایی ذاتی در تولید تعداد محدودی از صدای معنادار ارتباط برقرار می‌کنند (به‌عنوان مثال bonobos) یا حتی با سیستم‌های نیمه‌آموخته (به‌عنوان مثال پرندگان)، هیچ‌گونه شناخته‌شده دیگری وجود ندارد که بتواند ایده‌های بی‌پایان (جملات) را با مجموعه‌ای محدود از نمادها (اصوات و کلمات گفتاری)، بیان کند. این توانایی به خودی‌خود قابل توجه است. آنچه آن را بیش از پیش قابل توجه می‌کند این است که محققان در حال یافتن شواهدی برای تسلط بر این مهارت پیچیده در کودکان کم سن هستند. گزارش شده است که نوزادان ۱۲ ماهه نسبت به دستور زبان مورد نیاز برای درک جملات سببی حساسیت دارند (چه کسی با چه کسی رفتار کرد؛ به‌عنوان مثال اسم حیوان دست‌آموز قورباغه را هل داد) (رولند و نوبل، ۲۰۱۰). پس از بیش از ۶۰ سال تحقیق در مورد رشد زبان کودک، مکانیزمی که کودکان را قادر می‌سازد هجاها و کلمات را از رشته صداهایی که می‌شنوند تقسیم کرده و دستور زبان را برای درک و تولید زبان بدست آورند، کاملاً معما است.

- (۱) وجود داشتن
- (۲) ارتباط برقرار کردن
- (۳) صدا زدن
- (۴) بررسی کردن

گزینه‌های ۱ و ۲ برای اسامی غیر قابل شمارش به کار می‌روند. گزینه ۴ با حرف تعریف a به کار نمی‌رود.

برای توصیف صفت از قید استفاده می‌کنیم. به غیر از گزینه ۱ سایر گزینه‌ها صفت هستند.

- (۱) مصاحبه کردن
- (۲) آغاز کردن
- (۳) دعوت کردن
- (۴) درک کردن

۷۳

گزینه ۲

- (۱) نیاز داشتن
- (۲) تولید کردن
- (۳) خوابیدن
- (۴) نوشتن

۷۴

گزینه ۱

ترجمه جمله: آن روستا خیلی کوچک بود. تنها خانه‌های کمی در آن‌جا بودند و افراد زیادی در آن‌جا زندگی نمی‌کردند. باتوجه به معنی جمله، در جای خالی به صفت "کم" احتیاج داریم، نه "خیلی" و "چندین" که در گزینه‌های ۳ و ۴ آمده است. فرق دو گزینه اول این است که a few به معنی "کم ولی کافی" است و few به معنی "کم و ناکافی". با اینکه مفهوم این جمله "کم و ناکافی" است، ولی آمدن کلمه only قبل از جای خالی کار را خراب می‌کند. دو کلمه only و just فقط با a few و a little همراه می‌شوند. در واقع only few ترکیب نادرستی است و به جای آن از only a few استفاده می‌کنیم.

۷۵

گزینه ۳

تنها در گزینه ۳ واحدهای داده شده با اسامی منطبق است.

۷۶

گزینه ۲

همان‌طور که می‌دانید bread و fruit و chicken هر سه اسامی غیر قابل شمارش هستند و از طرف دیگر egg يك اسم قابل شمارش است در نتیجه سه اسم اول به شکل مفرد و egg به صورت جمع به کار برده می‌شود. پس گزینه "۲" جواب صحیح است.

۷۷

گزینه ۲

ترجمه جمله: استاد خوب کسی است که بتواند توضیحات واضحی درمورد هر موضوعی بدهد.

- (۱) دانش
- (۲) توضیحات
- (۳) ارتباطات
- (۴) مقاصد

۷۸

گزینه ۴

ترجمه جمله: يك بمب در هواپیما بود، اما خوشبختانه منفجر نشد.

- (۱) به طور مداوم
- (۲) به شدت
- (۳) صادقانه
- (۴) خوشبختانه

داشتیم دیر به فرودگاه می‌رسیدیم، اما **خوشبختانه** برای ما، هواپیما تأخیر داشت.

(۱) خوشبختانه

(۲) اساساً

(۳) قطعاً، حتماً

(۴) کاملاً، به طور کامل

ترجمهٔ جمله: دکتر گفت که او به خاطر دارو خواب‌آلود خواهد بود، بنابراین من به او اجازه رانندگی نخواهم داد.

(۱) عبادت

(۲) دعوت‌نامه

(۳) تحصیلات

(۴) دارو